

عنوان: چالش‌ها و راهکارهای توجه به مبانی روان شناختی مورد تأکید در سند تحول بنیادین در محتوای دروس، مدیریت کلاس‌ها و فضای حاکم در مدارس ابتدایی

کمال نصرتی هشی^۱، نیما القاسمی^۲، الهیه خبرنگاری^۳، حمیدرضا دهقان^۴، محمد عظیمی^۵

اطلاعات مربوط به مقاله

چکیده

هدف از پژوهش حاضر چالش‌ها و راهکارهای توجه به مبانی روان شناختی مورد تأکید در سند تحول بنیادین در محتوای دروس، مدیریت کلاس‌ها و فضای حاکم در مدارس ابتدایی است. روش: این پژوهش از نوع کیفی است و برای دستیابی به یافته‌ها، روش تحلیل اسناد و روش پدیدار شناسی (مصاحبه نیمه ساختار یافته) مورد استفاده قرار گرفت. در این پژوهش بیش از ۱۰۰ نفر از معلمان دوره ابتدایی استان اصفهان با روش نمونه گیری هدفمند و با معیار اشباع نظری انتخاب شدند. یافته‌ها: در یافش یافته‌ها با بررسی منابع موجود و از طریق مصاحبه با معلمان چالش‌ها و راهکارها مشخص گردید و نشان داد شد که مبانی ذکر شده در سند تحول یک شبه و صرف با ارسال بخشنامه به صورت کامل محقق نمی‌شود، بلکه ضمن آموزش‌های لازم برای داشن اموزان، والدین و مریبان، نیاز به منابع و امکانات مورد نیاز و تخصیص عادلانه آن در کل کشور دارد. در ادامه از طریق مصاحبه با معلمان چالش‌ها و راهکارهایی همچون افزایش منابع و امکانات آموزش و پرورش، برگزاری آموزش‌های لازم برای مریبان و والدین، کاهش جمعیت کلاس‌ها، استفاده از ابزارهای فناوری مانند هوش مصنوعی، تغییر و اصلاح کتب درسی، اجرای کامل عدالت آموزشی، تدوین راهنمایی برای استفاده از شیوه‌های تدریس فعال در مدارس ابتدایی و سایر راهکارهایی که در متن پژوهش به آنها اشاره شده بر سر تحقق هر مبنی به صورت مجزا در جداولی ارائه شده است. نتیجه-گیری: بر این اساس به نظر می‌رسد اگر تمامی مبانی مطرح شده در سند تحول به درستی اجرا شوند می‌توان شاهد تحول اساسی در امر آموزش کشور و رشد و اعطاگی نام ایران اسلامی بود.

^۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. kamalnosrati1367@cfu.ac.ir

^۲. کارشناسی آموزش ابتدایی، اصفهان، ایران. nimaalghasi@cfu.ac.ir

^۳. کارشناس ارشد معارف نیچه البالغ، آموزش و پرورش ناحیه ۴، اصفهان، ایران. el.khairollahi@gmail.com

^۴. گروه روان شناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

^۵. دانشیار گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

در نظام آموزشی هر کشور، توجه به مبانی روان‌شناختی در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی و مدیریت کلاس‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران نیز بر این مبانی تأکید دارد و هدف آن ایجاد محیطی است که در آن داشت آموزان بتوانند به طور کامل و همه‌جانبه رشد کنند (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۱). این پژوهش با عنوان «بررسی میزان توجه به مبانی روان‌شناختی طبق سند تحول بنیادین در محتوای دروس، مدیریت کلاس‌ها و فضای حاکم در مدارس ابتدایی» به بررسی وضعیت موجود و مطلوب پرداخته و بر راهکارها و نوآوری‌ها برای تغییر رسیدن به وضعیت مطلوب تأکید دارد. در وضعیت مطلوب، محتوای دروس باید به گونه‌ای طراحی شود که نیازهای روان‌شناختی داشت آموزان را برآورده کند. این شامل توجه به تفاوت‌های فردی، تأثیر عوامل درونی و بیرونی بر تربیت، و رشد مرحله به مرحله کودکان است. محتوای درسی باید مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاق، توسعه مهارت‌های اجتماعی، عاطفی و شناختی، و تربیت شهروندانی مستول و متهد را تقویت کند (علی‌آبادی، ۱۴۰۰). مدیریت کلاس‌ها باید به گونه‌ای باشد که محیطی حمایتی و پویا بر داشت آموزان فراهم کند، با تأکید بر تعامل مثبت بین معلم و داشت آموزان و بین خود داشت آموزان (سلیمانی، ۱۳۹۸). فضای حاکم بر مدارس نیز باید محیطی حامی و تشویق‌کننده باشد که در آن داشت آموزان با اعتماد به نفس و انگیزه بالا به یادگیری پردازند. هدف ارمانی این است که داشت آموزان در محیطی رشد کنند که تمامی ابعاد شش کاره تعليم و تربیت را پوشش دهد، یعنی رشد شناختی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی، هنری و جسمانی (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۱). این هدف مستلزم طراحی برنامه‌های درسی چندگانه، ارتقاء آگاهی معلمان نسبت به تفاوت‌های فردی، و ایجاد فضای آموزشی پویا و انعطاف‌پذیر است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸).

در حال حاضر، محتوای دروس و مدیریت کلاس‌ها در مدارس ابتدایی با مشکلات متعددی مواجه است. کمبود منابع آموزشی، عدم تدوین روش‌های موثر برای ادغام عوامل درونی و بیرونی، و عدم توجه کافی به تفاوت‌های فردی از جمله این مشکلات هستند. تحقیقات نشان می‌دهند که محتوای دروس بیشتر بر حفظ و تکرار اطلاعات متمرکز است تا تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاق (زارع و همکاران، ۱۳۹۷). مدیریت کلاس‌ها بیشتر بر کنترل، رفتار داشت آموزان و اجرای دستورات معلم تمرکز دارد تا ایجاد محیطی تعامل گر و مشارکتی (ملکی، ۱۳۹۹). فضای حاکم بر مدارس نیز اغلب استرس زا و رقبای است که می‌تواند اثرات منفی بر رشد عاطفی و اجتماعی داشت آموزان باشد (خدایی و همکاران، ۱۴۰۰). عدم پاسخ به این مشکلات می‌تواند منجر به کاهش انگیزه و عملکرد تحصیلی داشت آموزان، افزایش نزد ترک تحصیل و بروز مشکلات دوانی و رفتاری شود (خدایی و همکاران، ۱۴۰۰). برای مثال، مطالعه‌ای در ایران نشان داده است که بسیاری از معلمان از روش‌های تدریس فعال استفاده نمی‌کنند که این امر می‌تواند به کاهش مشارکت داشت آموزان منجر شود (ملکی، ۱۳۹۹).

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که پژوهش‌های مبتنی در داخل و خارج از کشور به بررسی مبانی روان‌شناختی در محتوای دروس و مدیریت کلاس‌ها پرداخته‌اند. در ایران، مطالعه‌های علی‌پور (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر روش‌های تدریس نوین بر رشد شناختی داشت آموزان پرداخته است. همچنین، تحقیق حسینی و همکاران (۱۳۹۸) نشان داده است که توجه به مدیریت کلاس مبتنی بر تعاملات مثبت می‌تواند بهبود قابل توجهی در عملکرد تحصیلی و اجتماعی داشت آموزان داشته باشد. در خارج از کشور نیز پژوهش‌های اندرسون و همکاران (۲۰۱۹) در آمریکا نشان داده است که استفاده از رویکردهای روان‌شناختی در آموزش می‌تواند به بهبود مهارت‌های اجتماعی و عاطفی داشت آموزان کمک کند. همچنین، مطالعه امیت و جوزن (۲۰۲۰) در بریتانیا تأثیر مثبت فضای آموزشی حامی و تشویق‌کننده بر کاهش استرس و افزایش انگیزه یادگیری داشت آموزان را نشان داده است. بنابراین پژوهش حاضر با عنوان «بررسی میزان توجه به مبانی روان‌شناختی طبق سند تحول بنیادین در محتوای دروس، مدیریت کلاس‌ها و فضای حاکم در مدارس ابتدایی» دارای وجه نوآوری قابل توجهی است. در حالی که بسیاری از پژوهش‌ها به بررسی تأثیر مبانی روان‌شناختی در آموزش پرداخته‌اند، تحقیق حاضر از تجارت زیسته معلمان و متخصصان بهره می‌برد و به طور مستقیم به تحلیل وضعیت کوئنی و ارائه راهکارهایی برای بهبود میدارد. این مطالعه با استفاده از روش‌های کیفی به درک عمیق‌تری از مشکلات و

چالش های موجود دست یافته و راهکارهای عملی و مؤثری برای رسیدن به وضعیت مطلوب ارائه می دهد. افزون بر این، نتایج این پژوهش می تواند به سیاست گذاران آموزشی و معلمان کمک کند تا با شناخت دقیق تر از وضعیت موجود و بهره گیری از تجارب زیسته، به بهبود و ارتقاء کیفیت آموزشی در مدارس ابتدایی پهدازند. این امر در نهایت می تواند به تحقق اهداف متعالی سند تحول بنیادین و تربیت نسلی توانمند و مسئول کمک کند.

سؤالات پژوهش

۱. با توجه به مبنای اول روانشناسی مورد تأکید در سند تحول بنیادین، در مدارس ابتدایی در تربیت و آموزش دانش آموزان به چه میزان به تأثیر عوامل درونی و بیرونی توجه می شود؟ (بازکردنیل) موانع و چالش های موجود در این زمینه چه مواردی هستند و چه راه حل هایی برای بروز رفت از این چالش ها می توان ارائه داد؟

۲. با توجه به مبنای دوم روانشناسی مورد تأکید در سند تحول بنیادین، در مدارس ابتدایی به چه میزان سازگارهای تربیتی دانش آموزان مطابق با این مبنای است، چه مانع و چالش هایی وجود دارد؟ و چه راه هایی برای توجه بهتر به این مبنای وجود دارد؟

۳. با توجه به مبنای سوم روانشناسی مورد تأکید در سند تحول بنیادین، در برنامه های آموزشی و تربیتی مدارس ابتدایی آیا به این مبنای توجه می شود؟ (بازکردنیل) چالش ها و موانع پیش رو برای تحقق این مهم چیست؟ و چه راهکارهایی برای بروز رفت از این چالش ها وجود دارد؟

۴. با توجه به مبنای چهارم روانشناسی مورد تأکید در سند تحول بنیادین، در مدارس ابتدایی و برنامه های آموزشی و تربیتی آنها تا چه میزان به موضوع مراحل رشد و متعلقات آن توجه می شود؟ (بازکردنیل) چالش ها و موانع بر سر راه تحقق این مباحث چیست و چه راه حل هایی برای حل این چالش ها وجود دارد؟

۵. با توجه به مبنای چهارم روانشناسی مورد تأکید در سند تحول بنیادین، در مدارس ابتدایی و برنامه های آموزشی و تربیتی آنها تا چه میزان به موضوع مراحل رشد و متعلقات آن توجه می شود؟ (بازکردنیل) چالش ها و موانع بر سر راه تحقق این مباحث چیست و چه راه حل هایی برای حل این چالش ها وجود دارد؟

۶. با توجه به مبنای ششم روانشناسی مورد تأکید در سند تحول بنیادین، در مدارس ابتدایی تا چه میزان به این موضوع توجه می شود؟ (بازکردنیل) چالش ها و موانع بر سر راه تحقق این مبنای چیست و چه راهکارهایی برای بروز رفت از این چالش ها وجود دارد؟

روش پژوهش

برای پاسخ به سوالات پژوهش، روش پدیدار شناسی مورد استفاده قرار گرفت. پدیدار شناسی به مبنای مطالعه تجربه زیسته با چهان زندگی است که توسط یک فرد زیسته و تجربه می شود و به معنای جهان با واقعیتی جدای از انسان نیست. در رویکردهای پژوهشی پدیدارشناسی دو روش پدیدارشناسی توصیفی (هوسپل) و پدیدارشناسی تفسیری (هایدگر) مطرح است (ماستاکاس ۱۹۷۴).

که پژوهش حاضر بر اساس روش پدیدارشناسی توصیفی هوسپل جهت دستیابی به تجارت زیسته شرکت کنندگان انجام شد. مشارکت کنندگان بالقوه در این پژوهش معلمان ابتدایی استان اصفهان در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بودند، برای انتخاب آنها از رویکرد هندهفمند ملکی و اشیاه نظری استفاده شد که ابتدا در مرحله اول طی جلسه ای توجیهی و آموزشی اهداف پژوهش و سوالات پژوهش که به صورت سوالات باز پاسخ بودند برای آنها تفسیر و توضیح داده شد و سپس لینک سوالات در اختیار آنها قرار گرفت و قریب به ۱۰۰ نفر به صورت مجازی به سوالات داده شده پاسخ دادند. ملک م ابری جم آوری داده ها اشاعر نظری بود

۱. Moustaks

که پس از پایان مرحله اول که جم جم اوری داده ها بود، پاسخ ها مطالعه و طبق روش تحلیل مضمون براون و کلارک^۱ که یک فرایند شش مرحله ای که شامل: (۱-آشنایی ۲- کد گذاری ۳- تولید مضماین ۴- بررسی مضماین ۵- تعریف و نام گذاری مضماین ۶- نوشتمن) بود، اطلاعات بدست آمده تحلیل شد و برای انتیار یابی داده های تنظیم شده، داده ها در اختیار چند نفر از متخصصین علوم تربیتی قرار گرفت و انتیار یابی شد. پس از آن به صورت جالش ها و راهکار ها در جداول مختلف به نمایش در آمد، به طور کلی در این پژوهش ابتدا در زمینه موضوع پژوهش مقالات موجود، مطالعه و بعد از اشراف به بیچه موضوعی، برای اخذ نظرات و تجربیات نمونه آماری، با توجه به مبنای روان شناختی مورد تأکید در سند تحول بنیادین در محتوای دروس، مدیریت کلاس ها و فضای حاکم در مدارس ابتدایی و با مشورت از اساتید علوم تربیتی، سوالاتی طراحی گردید. برای رسیدن به انتیار یابیدنی، انتقال پذیری و اعتماد پا تایید پذیری سوالات مصاحبه و پاسخ های مشارکت کنندگان تکنیک های همچون استفاده از تکنیک تثبیت^۲ یامالک سازی، تکنیک کنترل اضطراری، تکنیک کسب اطلاعات دقیق موادی و خوبزاری پژوهش محققان (عباس زاده، ۱۳۹۱: ۱۹-۳۴) استفاده گردید. همچنین سعی شد راهکار هایی انتخاب شود که به دور از فضای آزمایی و دارای قابلیت اجرایی در سیستم فعلی آموزش و پرورش کشوار باشد. در آخر نیز مضماین دارای بیشترین فروانی و مضماین دارای کمترین فروانی مشخص شدند.

یافته ها

در ادامه ابتدا سوالات ارائه و یافته های مربوط به هر سوال بصورت منظم در جداول به ترتیب ارائه می شود:

سوال ۱: با توجه به مبنای اول روان شناختی مورد تأکید در سند تحول بنیادین، در مدارس ابتدایی در تربیت و آموزش دانش آموزان به چه میزان به تأثیر عوامل درونی و بیرونی توجه می شود؟ (ا) ذکر دلیل موافع و (ب) راه حل هایی برای بروز رفت از این جالش ها می توان ارائه داد؟

جدول ۱: توجه به عوامل درونی و بیرونی در تربیت دانش آموزان در مدارس ابتدایی

منابع اول	موافع و جالش ها	راهکارها
توجه به عوامل درونی و بیرونی در تربیت دانش آموزان در مدارس ابتدایی	- تقصی در شناخت و توجه به نیازها و علاوه های دانش آموزان	- توسعه برنامه های آموزشی با توجه به نیاز ها و علاوه ها
توجه به عوامل درونی و بیرونی در تربیت دانش آموزان در مدارس ابتدایی	- محدودیت در استفاده از روش های تدریس متنوع	- استفاده از روش های تدریس مبتنی بر انگیزه
توجه به عوامل درونی و بیرونی در تربیت دانش آموزان در مدارس ابتدایی	- نبود راهکارهای مناسب برای افزایش انگیزه	- آموزش معلمان در زمینه روان شناختی
توجه به عوامل درونی و بیرونی در تربیت دانش آموزان در مدارس ابتدایی	- عدم وجود منابع مالی مورد نیاز برای اجرای برنامه هایی که با عث تحقق این میان شود.	- تخصیص امتحانات لازم برای ارتقای کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس
توجه به عوامل درونی و بیرونی در تربیت دانش آموزان در مدارس ابتدایی	- محدودیت های زمانی و مکانی	- کاهش جمعیت کلاس ها
توجه به عوامل درونی و بیرونی در تربیت دانش آموزان در مدارس ابتدایی	- جمعیت بالای افراد کلاس	- ارائه آموزش های درست به خانواده ها و اجرای صحیح کارگاه های آموزش خانواده جهت توجیه و آموزش هرچه بهتر و دلین
توجه به عوامل درونی و بیرونی در تربیت دانش آموزان در مدارس ابتدایی	- ارائه الگوهای اشتباه و نامناسب در فضای مجازی و حتی گاهی	

^۱. Braun & Clarke

^۲. Tringulation

<p>- حضور پر رنگ و فعال مشاوران در مدارس</p> <p>- استفاده از موقعیت های شبیه به زندگی واقعی و ایجاد چالش های شبیه واقعی</p>	<p>از جانب صدا و سیما و حتی برخی از همکاران فرهنگی</p> <p>- عدم توانایی معلم برای برقراری ارتباط موثر با دانش آموزان و خانواده ها</p>
---	---

در پاسخ به سوال اول طبق یافته های جدول شماره یک لازم به ذکر است که در بحث موانع در بین پاسخ هایی که ذکر شده است موارد محدودیت های مکانی و جمعیت بالای کلاس و همچنین عدم آموزش صحیح خانواده ها) دارای بیشترین فراوانی بودند و تعداد بیشتری از مصاحبه شوندگان به این مشکلات اشاره کردند. برای مثال یکی از مصاحبه شوندگان این گونه پاسخ داده است: با توجه به وجود چالش های مالی مختلف در خانواده ها در کار آن گسترش فضایی مجازی و پایین آمدن سن استفاده از فضای مجازی فرصت انواع تربیت مخصوصاً تربیت فطیری دانش آموزان در خانواده ها کم رنگ شده و گاهی از تربیت فطیری در مدارس هم خانواده هاچلوگیری کرده و آن را شناهه ای تند و فرهنگی می دانند، و حتی معلم و مدرسه در این زمینه به دلیل مشکلاتی از قبیل تعداد بالای دانش آموزان کلاس و مناسب نبودن فضای آموزشی و سایر محدودیت ها به درستی توانایی انجام این کار را ندارند. در صورتی که مدرسه و کادر آن باید با رجوع به قدرت و تربیت متربیان خود جلسات آموزش خانواده متعددی برای خانواده ها برگزار کند و در آموزش های کلی هم تأثیق اتفاق بیوقت، در کار آن نیز مهم ترین مورد غیر قابل انکاری که میتوان به آن اشاره کرد عدم انگیزه در بین معلمان و چالش های مالی موجود در نظام آموزش و پرورش است. که در اکثر موقع خود دلیلی بر عدم اجرا یا اجرای نا مناسب خیلی از فعالیت های تربیتی و آموزشی است.

همچنین کمترین فراوانی مربوط به مورد (عدم توانایی معلم) در تحقیق این مینا بوده است که یکی دیگر از مصاحبه شوندگان این گونه پاسخ داد: به نظام کمتر از حد لازم به هر دوی این موارد بودن از شود، چون در برخورد با سیاری از معلمان ابتدایی متناسب با این مهارت حتی در مقابل بزرگسالان دیده نمی شود و انتظار از اینکه معلمان در برخورد با کودکان به این عوامل مسلط و توجه باشند منطقی نیست. البته آموزگاران بسیار حرفه ای و مسلط بر مباحث روانشناسی که بتوانند این کار را به درستی انجام دهند وجود دارد اما تعدادشان به نسبت کل معلمان زیاد نیست.

سؤال ۲: با توجه به نتایج دوم روانشناسی مورد تأکید در سند تحول نیادین، در مدارس ابتدایی به چه میزان سازگارهای تربیتی دانش آموزان مطابق با این مبانی است، چه موانع و چالش هایی وجود دارد؟ و چه راههایی برای توجه بهتر به این مینا وجود دارد؟

جدول ۲: توجه به تفاوت های فردی و درون فردی دانش آموزان در مدارس ابتدایی

مینا	موانع و چالش ها	راهکار ها
توجه به تفاوت های فردی و درون فردی دانش آموزان در مدارس ابتدایی	<p>- عدم سازگاری تربیتی با تفاوت های فردی</p> <p>- مشکلات در توجه به سازگاری تربیتی</p>	<p>- توجه به تجربیات و دیدگاه های معلمان و اجرای کارگاه های آموزشی برای تو معلمان</p> <p>- توسعه برنامه های آموزشی با توجه به تفاوت های فردی</p>

- استفاده از ابزار های فناوری مانند هوش مصنوعی	- نبود راهکارهای مناسب برای حل مشکلات و تفاوت های فردی
- کمک از مساجد، کتابخانه ها و سایر ارگان های فرهنگی	- تعدد برنامه های مختلف و کمبود زمان برای تحقق این هدف توسطه
- تغییر و اصلاح ساختار کتب درسی	علم
- کاهش تعداد دانش آموزان حاضر در هر کلاس	- جمعیت بالای کلاس های درس
- تعامل بیشتر خانواده با مدرسه	- کمبود آموزش های تخصصی کامل و سلیقه ای عمل کردن برخی از معلمان
	- عدم توجه کامل به تفاوت ها و استعداد های افراد در محتوا و ساختار کلی آموزش و پرورش کشور
	آموزش و پرورش کشور

در پاسخ به سوال دوم طبق یافته های جدول شماره دو لازم به ذکر است که در بحث موانع مواردی که ذکر شده است مورد (عدم توجه کامل به تفاوت ها و استعداد های افراد در محتوا و ساختار کلی آموزش و پرورش کشور) دارای بیشترین فراوانی بود و تعداد بیشتری از مصاحبه شوندگان به این مشکلات اشاره کردند. برای مثال یکی از مصاحبه شوندگان با ذکر مثال این گونه پاسخ داده است:

به طور کلی با وجود کتب درسی ثابت و تمرکز حاکم بر نظام آموزشی میزان خلاقیت دست اندر کاران امر تعلیم و تربیت نسبت به شرایطی که این میزان تمرکز کمتر است، بیشتر خواهد بود به بیان دیگر نخستین جالش در این زمینه وجود محتوایی بسکان برای کلیه فرآگیران، فارغ از توجه به علایق و حتی گاهای نیازهای آنان است. به عنوان مثال عینی، در کتاب ریاضی پایه پنجم تبدیل متر مکعب به سانتی متر مکعب که در قالب یک سوال آموزش داده شده تعبیرگر محتوایی از این نوع است. برای بروز رفت از این شرایط بہتر است تا قدری در تنظیم محتوا به معلمان به دفتر تالیف ارسال می کنند، توجه شود و محتوا پیش از جا پ نظر سنجی شود. از جمله چالشهای دیگر حجم زیاد برخی دروس است که صرفا هدف‌شدن ارائه داشت نظری است که کارایی خاصی ندارد و می توان با حذف چنین دروسی مهارتی را جایگزین کرد و به فرآگیران آموخت به عنوان نمونه درس مطالعات اجتماعی بالاخص در قسمت تاریخ به بیان جزئیاتی می پردازد که حتی خواندن آن نیز برای فرآگیران دشوار است. از جمله چالش های دیگر در باب عدم تطابق با تفاوت های فردی نایدیده گرفتن قدرت ابتكار عمل فرآگیران به مبنای مهم ترین عنصر در مثلث یادگیری است. قسمت اعظمی از محتوای کتب درسی از پیش تعیین شده است و صرفا در درس فارسی خوانداری و نوشتاری و آن هم در درس ازاد فرآگیران دست به ابداع و خلاق می زند در حالیکه دامنه این چنین مواردی می تواند برای دروس مختلف بالاخص دروسی که طرح سوال موجب تعمیق تفکر و یادگیری می شود، گسترش یابد.

همچنین کمترین فراوانی مربوط به مورد (کمبود آموزش های تخصصی کامل و سلیقه ای عمل کردن برخی از معلمان) در تحقق این مینا بوده است که یکی دیگر از مصاحبه شوندگان اینگونه پاسخ داد: با توجه به آموزش های ضمن خدمت معلمان یک سری آگاهی های مفید و ضروری به معلمان برای شناخت دوونی و بیرونی بهتر دانش آموزان داده می شود و مطالعه اصول کمایان در مدارس اجرا می شود. چالشی که در این مورد وجود دارد کردن یکسری دستور العمل های شخصی در این مبانی توسط همکاران و سلیقه ای عمل کردن ایشان باعث می شود این دستورالعمل های آموزشی درست و صحیح اجرا نشود. راه کار نظارت منظم کادر مدرسه و پیگیری منظم مدیر از روند اجرای این مبانی و درخواست گزارش کتبی و با شفاهی از معلمان تأثیر خوبی خواهد داشت.

سؤال ۳: با توجه به مبنای سوم روانشناسی مورد تأکید در سند تحول بنیادین، در برنامه‌های آموزشی و تربیتی مدارس ابتدایی آیا به این مبنای توجه می‌شود؟ (با ذکر دلیل) چالش‌ها و موانع پیش رو برای تحقق این مهم چیست؟ و چه راهکارهایی برای بروز رفت از این چالش‌ها وجود دارد؟

جدول ۳: توجه به مشارکت فعال کودکان در فرایند یادگیری و دوری از شیوه‌های سنتی

مبنای	موضع و جالش‌ها	راهکارها
<p>- محدودیت‌های ساختاری سیستم آموزشی در اجازه مشارکت فعال دانش‌آموزان</p> <p>- عدم آمادگی برخی معلمان برای اجرای شیوه‌های تدریس فعال</p> <p>- تحریص پاسین دروس عملی نسبت به دروس تئوری</p> <p>- استفاده از روش‌های تدریس منسخ شده توسط اغلب معلمان</p> <p>- عدم همکاری صحیح والدین با معلم و مدرسه به دلیل عدم وجود آگاهی کافی</p> <p>- جمعیت بالای کلاس</p> <p>- حجم زیاد مطالب کم کاربرد</p> <p>- کمیود فضای و امکانات</p>	<p>- تحریص پاسین دروس عملی نسبت به دروس تئوری</p> <p>- استفاده از روش‌های تدریس منسخ شده توسط اغلب معلمان</p> <p>- عدم همکاری صحیح والدین با معلم و مدرسه به دلیل عدم وجود آگاهی کافی</p> <p>- جمعیت بالای کلاس</p> <p>- حجم زیاد مطالب کم کاربرد</p> <p>- کمیود فضای و امکانات</p>	<p>- تحریص پاسین دروس عملی نسبت به دروس تئوری</p> <p>- عدم آمادگی برخی معلمان برای اجرای شیوه‌های تدریس فعال</p> <p>- تغییر محتوای کتب درسی و عملی تر شدن دروس در تمامی مقاطعه</p> <p>- برگزاری آموزش‌های لازم برای والدین چهت همکاری بیشتر و دقیق تر با معلم</p> <p>- افزایش مبانگین سرانه فضای آموزشی</p> <p>- تأکید استفاده از روش‌های فعال و پویا در تدریس</p> <p>- تجهیز و توسعه مدارس</p>

در پاسخ به سوال سوم و طبق یافته‌های جدول شماره سه لازم به ذکر است که در بحث موانع مواردی که ذکر شده است، مورد جمیعت بالای کلاس و مناسب نبودن محیط آموزشی (دارای بیشترین فراوانی بود و تعداد بیشتری از مصاحبه شوندگان به این مشکلات اشاره کردند. برای مثال یکی از مصاحبه شوندگان با ذکر مثال این گونه پاسخ داده است: استفاده از روش‌های فعال تدریس درست است که خوب و اثر بخش است اما این روش‌ها برای اثر بخشی و کارایی به مولفه‌ها و پیش‌بازارهای وابسته هستند که با وجود آنهاست که این روش‌ها شرط تحقق و اثر بخشی را پیدا می‌کنند. به عنوان مثال در کلاسی ۳۶ با نفر فراگیر استفاده از روشی هم چون بحث گروهی موجب سرو صدای زیاد می‌شود، از طرفی امکانات و فضای کلاس‌ها نیز امکان استفاده از چنین روش‌هایی را نمی‌دهد. چون غالباً در نیمکت‌ها ۳ نفر فراگیر نشسته‌اند، و گروه بندی و تغییر آرایش کلاس‌ها دشوار است و با افزایش تعداد گروه‌های زمان به بررسی همه نمی‌رسد و با افزایش فراگیران در گروه‌ها شیوه‌های افزایش می‌پابند. مورد دیگر نبود امکانات و وسائل در مدرسه‌ای که حتی ساده ترین وسایل مطرح شده در کتاب برای انجام آزمایش نیست امکان استفاده از روشی چون روش آزمایشگاهی نیز وجود ندارد. از مشکلات دیگر در این خصوص دونویه بودن مدارس است، تغییر در چیدمان کلاس در یک شیفت باعث اذیت شدن شیفت دیگر می‌شود. از چالش‌های دیگر شیوه بودن کلاس‌های درس است، در روش فعال به دلیل اینکه ما با اکتشاف و کاوشگری سر و کار داریم و نیاز به نظارت مستمر و دقیق معلم است بهتر است که تعداد دانش‌آموزان از ۲۰ نفر بیشتر نباشد تا معلم بتواند این فرایند را به درستی رهبری و هدایت کند. همچنین کمترین فراوانی مربوط به مورد (عدم

همکاری صحیح والدین با معلم و مدرسه به دلیل عدم وجود آگاهی کافی در تحقق این مبنای بوده است که یکی دیگر از مصاحبه شوندگان اینگونه پاسخ داد: استفاده از شیوه های فعال در آموزش بسیار امری کاربردی در تدریس و یادگیری بهتر برای داشن آموز است که حتی معلم نیز در روش های اینچنینی سختی و دشواری کمتری را تحمل می کند اما بهتر است که آموزش های لازم به والدین داده شود که بدانند آموزش قرار نیست مانند ۲۰ سال پیش یا اینکه روش درس خواندن فرزند آنها حتی می باشیست شیوه به روش درس خواندن در گذشته پاشد و زمانی که فرهنگ سازی و آموزش های لازم به والدین داده شود کار معلم در چهت تحقق این هدف آسان تر خواهد بود.

سؤال ۴: با توجه به مبنای چهارم روانشناسی مورث تاکید در سند تحول بنیادین، در مدارس ابتدایی و برنامه های آموزشی و تربیتی آنها تا چه میزان به موضوع مراحل رشد و متعلقات آن توجه می شود؟ (با ذکر دلیل) چالش ها و موانع بر سر راه تحقق این مباحث چیست و چه راه حل هایی برای حل این چالش ها وجود دارد؟

جدول ۴ توجه به مبنای رشد به عنوان جریانی مستمر و مرحله به مرحله و تحت تأثیر عوامل محیطی و زیستی و درونی

مبنای	موانع و چالش ها	راهکارها
رشد جریانی مستمر و مرحله به مرحله و تحت تأثیر عوامل محیطی و زیستی و درونی است.	- کمیود برنامه های تربیتی گام به گام بر مراحل رشد	- توسعه برنامه های تربیتی گام به گام بر مراحل رشد
	- عدم توجه کافی به انعطاف و پویایی در روند رشد	- آموزش معلمان و ارتقاء آگاهی معلمان از اهمیت انعطاف در تربیت دانش آموزان
	- عدم جسم بالای کتب درسی و کمیود منابع	- تغییر سیاست ها
	- استاندارد نبودن محیط آموزشی	- افزایش مشارکت والدین
	- عدم داشت کافی والدین	- استفاده از رویکردهای تدریس تفریقی
	- عدم اطلاع کافی معلمان	- ارزیابی مبتنی بر عملکرد
	- فشار برای انتطابی با استانداردها	- همکاری با استانداردها

در پاسخ به سوال چهارم و طبق یافته های جدول شماره ۴ به ذکر است که در بحث موانع مواردی که ذکر شده است مورد (کمیود دانش معلمان و کمیود منابع) دارای بیشترین فراوانی بود و تعداد بیشتری از مصاحبه شوندگان به این مشکلات اشاره کردند. برای مثال یکی از مصاحبه شوندگان با ذکر مثال این گونه پاسخ داده است:

در روانشناسی به موضوع رشد به عنوان جریانی مستمر تحت تأثیر عوامل زیستی محیطی و درونی، به انعطاف و پویایی اشاره می شود، اما با این حال در مدارس ابتدایی و برنامه های آموزشی و تربیتی به آن گونه که شایسته و لازم است توجه نمی شود درست است که خیلی از مسائل مانند کمیود فضای مناسب نبودن منابع و عدم اطلاع والدین خود چالش های جدی برای تحقق این امر مهم هستند اما به نظر من موضوع و چالشی که از مورد دیگه اهمیت بیشتری دارد و فقدان و کمیود آن به صورت ملموس تری احساس می شود که دانسته ها و دانش معلمان و عدم وجود آموزش های کافی برای رفع این کمیود است که بایستی راهکار های کاربردی و مفید تر بیشتر مورد توجه وینه مدیران آموزش و پرورش در تمامی سطوح قرار بگیرد که انسانالله در کار سایر موانع و چالش ها این چالش نیز به صورت کامل مرتفع و حل شود.

همچنین کمترین فراوانی مربوط به مورد (استاندارد نبودن محیط آموزشی) در تحقیق این مبتا بوده است که یکی دیگر از مصاچه شوندگان این گونه پاسخ داد:

به جرات می توان گفت در اکثر مناطق کمتر برخوردار که از کمبود وسائل آموزشی و استاندار نبودن محیط آموزشی رنچ می برند حتی اگر بخواهند به این مبتا توجه و به آن به درستی عمل کنند به دلیل کمبود هایی که وجود دارد، امکان تحقیق این هدف به درستی وجود ندارد. بالعکس در مناطق برخوردار و مدارس و پیزه به دلیل وجود امکانات و تجهیزات لازم در محیط آموزشی و فرهنگ سازی و آموزش های کافی برای والدین و معلمان بیشتر شاهد تحقیق این مبتا هستیم.

سؤال ۵: با توجه به مبتا پنجم روانشناسنی مورد تأکید در سند تحول بنیادین، در برنامه آموزشی و تربیتی مدارس ابتدایی چقدر به همه، ابعاد رشد توجه می شود؛ طبق این مبتا آیا به تمامی ساحت های شش گانه تعلیم و تربیت توجه می شود؟ (با ذکر دلیل) موانع اجرایی بر سر راه این مبتا چیست؟ و چه راهکارها وجود دارد؟

جدول ۵: توجه به رشد ادمی در همه ابعاد و دوری از تک عذر عمل کردن و توجه به تعامل عوامل متعدد

مبنای و چالش ها	راهکار ها	مبنای
- نقص سیاست های آموزشی چند بعدی در سیستم تعلیم و تربیت.	- اصلاح و به روز رسانی سیاست ها چهت ارتقاء برنامه ریزی چند بعدی	رشد ادمی در همه ابعاد رخ می دهد و تباید تک بعدی
- محدودیت های موارد مالی و منابع برای پوشش تمام ابعاد.	- جذب منابع مالی برای پشتیبانی از برنامه های تعلیم و تربیت چند بعدی	عملکرد کسر و محسوس تعامل
- احصا خاص منابع و زمان کم در برنامه ریزی و اجرای ابعاد چندگانه تعلیم و تربیت.	- اجرای آموزش های لازم برای معلمان	عوامل متعدد است
- عدم هماهنگی بین مراحل آموزشی و ابعاد چند بعدی تربیت.	- فرهنگ سازی و توجیه والدین و برگزاری جلسات آموزش خانواده	
- فقر اقتصادی و فقر فرهنگی	- افزایش هماهنگی بین برنامه درسی و فعالیت های آموزشی	
- جمعیت بالای مدارس	- جلب شرکت بیشتر والدین در امور مدرسه و تقویت انجمن اولیا مربیان	
- کمبود فضا و امکانات	- نگاه جامع هنگام ارزیابی دانش آموزان و توجه به تمامی ابعاد رشد و استعداد ها	
- فشار برای انتساب با استانداردها	- حضور دائم و مستمر مشاوران در مدارس مخصوصا در دوره ابتدایی	
- عدم هماهنگی بین برنامه درسی و فعالیت های آموزشی	- استفاده از رویکردهای جدید و خلاقانه	
- عدم آموزش کافی برای معلمان	- پرهیز از افراط و نفریط در امر تربیت	

در پاسخ به سوال پنجم و طبق یافته های چدول شماره ۵ لازم به ذکر است که در بحث موانع مواردی که ذکر شده است، مورد اختصاص منابع و زمان کم در برنامه ریزی و اجرای ابعاد چندگانه تعلیم و تربیت، دارای بیشترین فراوانی بود و تعداد بیشتری از مصاچه شوندگان به این مشکلات اشاره کردند. برای مثال یکی از مصاچه شوندگان با ذکر مثال این گونه پاسخ داده است: در طی این چند سال مخصوصا سال های بعد از کرونا توجه به این مبتا و به صورت کلی توجه به ساحت های شش گانه تعلیم و تربیت توسعه مستولین، معلمان و خانواده به نسبت قلی بیشتر شده زیرا دیگر همه به این موضوع به طور کامل واقف شده اند که رشد انسان تک بعدی یا صرفا در یک زمینه نیست و ممکن است انسان ها استعداد های گوناگونی داشته باشند. اما یکی از مهم ترین چالش های بر سر راه تحقیق این مبتا مواردی است مثل: زمان کم، تعداد بالای دانش آموزان، نبودن منابع کافی برای اجرای هرچه

بهتر این سند و توجه به همه ابعاد رشد در مدارس که اگر بتوان این مشکلات را به خوبی برطرف کرد و پشت سر گذاشت یقیناً ما شاهد تحول های اساسی و رشد نظام آموزشی کشور خود خواهیم بود. همچنین کمترین فراوانی مربوط به مورد (عدم آموزش کافی برای معلمان) در تحقق این مبدأ بوده است که یکی از مصاحبه شوندگان این گونه پاسخ داد: متناسبهنه به اندازه کافی نیست. علت احتمالاً در نبود امکانات لازم برای ارائه فعالیت ها در همه ساختها است. ابتدا معلم باید به همه جیبته ها تسلط کافی داشته باشد و سپس انگیزه و توانایی مشارکت دادن دانش آموزان در دانسته های خود را دارا باید که توانانه آموزش های لازم و کافی برای معلمان در نظر گرفته نشده که با بسته بودن این آموزش ها به صورت حضوری و با ذکر جزیئات بیشتر و با حضور اسانید و مشاوران زنده اجرا شود. همچنین به نظرم در این زمینه مشارکت فعال والدین مبنواد تا حدودی به یاری معلم بیاند. در صورتی که آموزگار توانایی و فرست و حمایت لازم برای بهره گیری از توانایی های آنان را داشته باشد.

سؤال شماره ۶ توجه به مبنای ششم روانشناختی مورد تأکید در سند تحول بنیادین، در مدارس ابتدایی تا چه میزان به این موضوع توجه می شود؟ (با ذکر دلیل) چالش ها و موانع بر سر راه تحقق این مبدأ چیست و چه راهکار هایی برای بردن رفت از این چالش ها وجود دارد؟

جدول ۶ توجه به انگیزش درونی و انگیزش بیرونی و تأثیر عوامل مختلف در آن

متنا	موانع و چالش ها	مبنای
انگیزش دارای دو بعد انگیزش درونی و انگیزش بیرونی و تأثیر تأثیر عوامل مختلف قرار دارد	- عدم توجه کافی به تفاوت بین انگیزش درونی و بیرونی در برنامه های آموزش	- ایجاد برنامه های تحقیلی با تمرکز بر افزایش انگیزش درونی دانش آموزان
	- نیاز به تعامل یکپارچه تر بین معلمان و دانش آموزان در چه افزایش انگیزه	- آموزش معلمان به مهارت های مدیریت کلاس و ایجاد انگیزه در دانش آموزان
	- عدم همانگی های تربیتی خانواده ها و محیط آموزشی	- برگزاری دوره های آموزش خانواده برای والدین
	- عدم تنوع در آموزش و درصد کم عملی بودن دروس	- افزایش دروس عملی و کارگاهی
	- عدم شناخت کامل معلم از روحیات دانش آموزان	- برگزاری دوره های ضمن خدمت برای معلمان
	- عدم وجود آموزش های کافی برای والدین	- تامین بودجه بیشتر برای مدارس جهت اجرای برنامه های آموزشی مبتنی بر انگیزش
	- عدم همکاری اکثر والدین	- ایجاد فرست هایی برای موقوفت و شکو قابی استعداد ها
	- کمود منابع مالی و منابع آموزشی	- ارائه بازخورد مثبت
	- جمیعت بالای کلاس ها	- استفاده از روش های تدریس متنوع

درپاسخ به سوال ششم و طبق یافته های جدول شماره ۶ لازم به ذکر است که در بحث موانع مواردی که ذکر شده است، مورد عدم تنوع در آموزش و درصد کم عملی بودن دروس، دارای بیشترین فراوانی بود و تعداد بیشتری از مصاحبه شوندگان به این



مشکلات اشاره کردند. برای مثال یکی از مصاحبه شوندگان با ذکر مثال این گونه پاسخ داده است: توجه به انگیزش در برنامه‌های آموزش و تربیتی مدارس ابتدایی از اهمیت بالایی برخوردار است اما شاهد این هستیم که برخی از والدین و معلمان صرفاً به انگیزه‌های پربرونی توجه دارند که این عامل یا به سبب عدم اطلاع آنها نسبت به این موضوع است و گاهی یکی از علل اصلی آن نبود تنوع در مطلب آموزش و عملی نبودن دروس است به نوعی که بعد از مدتی نه دانش اموز و نه خانواده‌ها و حتی معلم رغبتی به دروس ندارند زیرا همه اینها توری و مفهومی هستند که اگر بتوان درصد عملی و کارگاهی بودن دروس را افزایش داد و در اجراء و تدریس آنها تنوع به خرج داد، مسلمان انگیزه افراد در محیط آموزشی دو چنان می‌شود. همچنین کمترین فراوانی مربوط به مورد (جمیعت بالای کلاس و مدارس) در تحقیق این مبنای بوده است که یکی دیگر از مصاحبه شوندگان این گونه پاسخ داد: به ایجاد انگیزه در تدریس و مدارس توجه می‌شود اما چالش مهمی که بر سر راه تحقیق این مبنای قرار دارد کمود منابع مالی و جمیعت بالای کلاس های درس است که فرصت توجه کامل به هر دانش اموز از معلم گرفته می‌شود با اینکه معلم اگر بتواند در کار فعالیت های انگیزشی جمعی به صورت فردی نیز با دانش اموزان ارتباط برقرار کند، شاهد آثار ویژه آن در سیستم آموزش و پرورش خواهیم بود.

بحث و نتیجه‌گیری

از آنجایی که موضوع پژوهش چالش‌ها و راهکارهای توجه به مبانی روان شناختی مورد تأکید در سند تحول بینایین در محتوای دروس، مدیریت کلاس‌ها و فضای حاکم در مدارس ابتدایی بود، پس برای هر مبنای به صورت مفصل و مجزا نظر بیش ۱۰۰ نفر از معلمان استان اصفهان پیامون چالش‌ها و راهکارهایی بر سر راه تحقیق هریک از مبانی به صورت طبقه‌بندی و کدگزاری شده مطرح شد.

در پاسخ به سوال اول و با توجه به مبنای اول روان شناختی مورد تأکید در سند تحول بینایین، تأثیر عوامل درونی و بیرونی مورد بررسی قرار گرفت و طبق نظر مصاحبه شوندگان، اصلی ترین چالش بر سر راه تحقیق این مبنای، محدودیت‌های مکانی و جمیعت بالای کلاس و همچنین عدم آموزش صحیح خانواده‌ها بود. همچنین راهکارهایی مهچون توسعه برناهای آموزشی با توجه به نیازها و عالقه‌ها، استفاده از روش‌های تدریس مبتنی بر انگیزه و آموزش معلمان در زمینه روان شناختی ارائه شد. یافته‌های سوال اول پژوهش و راهکارهایی که ارائه شد با یافته‌های پژوهش حسن‌زاده (۱۳۸۱) همسو است. لذا تمامی مصاحبه شوندگان بر این امر تأکید داشتند که عوامل درونی و بیرونی تأثیر بسیاری در رشد، تربیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارد.

در پاسخ به سوال دوم معلمان به چالش‌هایی مهچون عدم سازگاری تربیتی با تفاوت‌های فردی، مشکلات به توجه در سازگاری تربیتی، تعدد برنامه‌های مختلف، جمیعت بالای کلاس، عدم توجه کامل به افراد و تفاوت‌ها در محتوا و ساختار کلی آموزش و پرورش و سلیقه‌ای عمل کردن معلمان از عده‌ده چالش‌هایی بود که بدان اشاره کردند و در بین چالش‌ها عدم توجه کامل به افراد و تفاوت‌ها در محتوا و ساختار کلی آموزش و پرورش بیشتر از سایر موارد مورد تأکید قرار گرفت. همچنین معلمان جهت حل این چالش‌ها راهکارهایی نظریه توجه به تجهیزات و دیدگاه‌های معلمان و اجرای کارگاه‌های آموزشی برای نو معلمان، توسعه برناهه‌ای آموزشی با توجه به تفاوت‌های فردی، استفاده از ابزارهای فناوری مانند هوش مصنوعی را پیشنهاد دادند. در بین راهکارهای ارائه شده برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای معلمان و نو معلمان دارای ییشترین فراوانی بود. در پژوهش علی‌اکبری و رجایی (۱۳۹۹) نیز به برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های مختلف به دید مثبت تکریسته که با یافته‌های این پژوهش همسو است.

در پاسخ به سوال سوم معلمان به چالش‌ها و مشکلاتی مانند محدودیت‌های ساختاری سیستم آموزشی در اجزاء مشارکت فعال دانش اموزان، عدم آمادگی برخی از معلمان برای اجرای شیوه تدریس فعال، درصد پایین دروس عملی نسبت به دروس تئوری، کمیود فضای جمیعت بالای کلاس اشاره کردند که در این بین جمیعت بالای کلاس بیش از سایر موارد مورد تأکید معلمان بود، و در این راستا اتفاق نظر اکثیریت بر این بود که یکی از مهم ترین راهکارهای برای تحقیق این مبنای کاهش جمیعت کلاس‌هاست. همچنین گلس (Glass) و اسمیت (Smith) معتقدند که یکی از آثار مثبت کاهش تعداد دانش اموزان در کلاس

پیشرفت تحصیلی و افزایش زمان آموزش برای هریک از دانش آموزان است. البته در کنار این راهکار به عنوان راهکار اصلی و ضروری، راهکار هایی دیگری همچون تدوین کتاب های راهنمایی برای استفاده ازشیوه تدریس فعال در مدارس ابتدایی، برگزاری آموزش های خانواده به صورت مستمر برای والدین چهت همکاری بیشتر و بهتر با آموزکار و تغییر محتوای کتب درسی و افزایش جنبه عملی دورس پیشنهاد گردید.

در پاسخ به سوال چهارم و در بررسی چالش ها و راهکارهای تحقیق این مینا به چالش های مانند: کمبود برنامه های تربیتی گام به گام بر اساس مراحل رشد، عدم توجه کافی به انعطاف پویایی در جریان رشد، استاندارد نبودن بحیط آموزشی و عدم اطلاع کافی و والدین و دانش آموزان اشاره شد. همچنین معلمان به راهکارهایی همچون آموزش معلمان و ارتقای آگاهی معلمان از اهمیت انعطاف در تربیت داشت آموزان، تغییر سیاست ها، ارزیابی براساس عملکرد و افزایش مشارکت والدین اشاره کردند. در پژوهش ویژی و امین بزدی (۱۳۹۴) به نقش واسطه گری والدین در آموزش و همراهی والدین در تمامی مراحل رشد فرزند و به نوعی تسهیل یادگیری اشاره شده که با برخی راهکار های ارائه شده مانند افزایش مشارکت والدین همسو است.

در پاسخ به سوال پنجم چالش های از قبیل نقص سیاست های آموزشی چند بعدی در سیستم تعلیم و تربیت، محدودیت های مالی و منابع برای پوشش ممکن ابعاد، اختصاص زمان کم در برنامه ریزی و اجرای ابعاد چندگانه تعلیم و تربیت، عدم هماهنگی بین مراحل آموزشی و ابعاد چند بعدی تعلیم و تربیت، فشار برای انتطاق با استانداردها شناسایی شد و برای غلبه بر چالش ها، پیشنهاداتی همچون اصلاح و بهروزرسانی سیاست ها چهت ارتقاء برنامه ریزی چند بعدی، جلب بیشتر مشارکت والدین در امور مدرسه و تقویت اتحمن اولیا مردمان، نگاه جامع هنگام ارزیابی داشت آموزان و توجه به تمامی ابعاد رشد و استعداد ها، حضور دائم مشارکان در مدارس مخصوصا مدارس ابتدایی، پرهیز از افراط و تغیریط در امر تربیت ارائه شد. لازم به ذکر است که سیغطی و ابراهیمی نسب (۱۴۰۲) به این اصل تأکید می کنند که تعادل اصل انسانی در کلیه میدان های زندگی است و با راهکار های ارائه شده مانند پرهیز از افراط و تغیریط در امر تربیت همسوی دارد.

در نهایت در پاسخ به سوال ششم پژوهش و با توجه به انگیزش دورنی و بیرونی مصاحبه شوندگان، اصلی ترین چالش بر سر راه تحقیق این مینا، عدم تنواع در آموزش و درصد پایین معلمی بودن دروس معرفی شد. افزون بر این راهکارهایی همچون ایجاد برنامه تحصیلی با توجه به افزایش انگیزش دورنی داشت آموزان، آموزش معلمان به مهارت های مدیریت کلاس و ایجاد انگیزه در داشت آموزان، افزایش دروس کارگاهی و عملی و برگزاری دوره های آموزش خانواده برای والدین و ... پیشنهاد گردید. با توجه کامل به راهکار هایی ارائه شده می توان به صورت چشمگیری سرعت تحقیق مبادی را افزایش داد.

در بیان و با توجه به تمامی مبانی مطرح شده در سند تحول که اگر به درستی اجرا شوند می توان شاهد تحول اساسی در امر آموزش کشور و رشد و اعتلای نام ایران بود. لذا پیشنهاد می شود با یک تغییر اساسی در ساختار کتب درسی و تجهیز مدارس و ارتقای تطوح داش معلمان و والدین زمینه را برای رشد و توسعه هموار ساخت. البته تحقیق این امر نیاز به منابع مالی کافی و توجه کامل تمامی مدیران و مسئولان به امر آموزش و پژوهش دارد.

مشارکت نویسندها

نویسندها مقاله مذکور در تمامی مراحل انجام پژوهش مشارکت فعل داشته اند.
تشکر و قدردانی

نویسندها بروخود لازم می دانند از تمامی شرکت کنندگان در پژوهش نهایت قدردانی و سیاس را داشته باشند.
تعارض منافع

نویسندها اظهار دارند در ارتباط با پژوهش حاضر هیچگونه تعارض منافع وجود ندارد.

منابع

حسن زاده، رمضان. (۱۳۸۱). رابطه بین انگیزش (دروني - بیرونی) منبع کنترل (دروني - بیرونی) و پیشرفت تحصیلی دانشآموزان. *نوآوری های آموزشی*, ۱(۱)، ۱۱۹-۱۰۷. https://noavaryedu.oerp.ir/article_78721.html

حسینی، علی، محمدی، ساراه، و کربیمی، مهدی. (۱۳۹۸). مدیریت کلاس و عملکرد تحصیلی. *مجله پژوهش‌های تربیتی*, ۱۱(۲۲)، ۸۰-۶۵. https://erj.knu.ac.ir/search.php?slc_lang=fa&sid=1

خدایی، حسن، رضائی، میریم، و نوری، علی. (۱۴۰۰). پیامدهای عدم توجه به مبانی روان‌شناختی در مدارس. *مجله روان‌شناختی تربیتی*, ۱(۲۵)، ۹۲-۷۸.

زارع، مهدی، احمدی، علی، و حسینی، زهرا. (۱۳۹۷). مدیریت کلاس‌های ابتدایی: چالش‌ها و راهکارها. *مجله علوم تربیتی*, ۱۹(۲)، ۱۰۵-۸۹.

سلیمانی، فاطمه. (۱۳۹۸). تحلیل محتوای دروس ابتدایی از منظر روان‌شناختی. *مجله آموزش و پژوهش*, ۷۲-۵۶.

شورای عالی آموزش و پژوهش. (۱۳۹۱). سند تحول بنیادین آموزش و پژوهش. تهران: وزارت آموزش و پژوهش.

علی‌آبادی، محمد. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر مبانی روان‌شناختی در نظام آموزشی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

علی‌پور، نرگس. (۱۳۹۷). تأثیر روش‌های تدریس نوین بر رشد شناختی دانشآموزان. *نشریه آموزش نوین*, ۱۵(۲)، ۴۹-۳۴. <https://civilica.com/doc/1963124>

معجز، نسیم، قربانی، الناز، و رحیمی، عظیمه. (۱۳۹۶). تفاوت‌های فردی در یادگیری و آموزش. *کنفرانس بین‌المللی علوم اجتماعی، تربیتی، علوم انسانی و روانشناسی*.

<https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://www.sid.ir/FileServer/SF/8841396H0103.pdf&ved=2ahUKEwjZpOPih96LAXuIVaQEHCzpF5QQFnoECBQQAQ&usg=AoVvaw2K7WjRxS9nV7IopRO-3TIU>

ملکی، رضا. (۱۳۹۹). بررسی فضای حاکم بر مدارس ابتدایی. *نشریه تحقیقات تربیتی*, ۲۱(۳)، ۴۵-۴۰.

وحدی، اله، و امنی بیزدی، سیدامیر. (۱۳۹۴). واسطه گری برای رشد پیشنهاد کودک: رویکردی در فرزندپروری. *کنگره سراسری روان‌شناسی کودک و نوجوان*.

Anderson, John, Smith, Peter, & Jones, Laura. (2019). Psychological approaches in education: Impacts on social skills. *Journal of Educational Psychology*, 111(3), 345-360. <https://doi.org/10.1037/edu0000345>

Smith, Peter, & Jones, Laura. (2020). Supportive educational environments: Reducing stress and increasing motivation. *British Journal of Educational Studies*, 68(2), 123-140. <https://doi.org/10.1080/00071005.2020.1712334>

Challenges and solutions to attention to the psychological foundations emphasized in the Document of Fundamental Transformation in the content of lessons, classroom management and the prevailing atmosphere in elementary schools

Kamal Nosrati Heshi¹, Nima Alghasi², Elahe Khairollahi³, Hamidreza Dehghan⁴,
Mohammad Azimi⁵

Abstract

The aim of the current research is to investigate the challenges and solutions to attention to the psychological foundations emphasized in the Document of Fundamental Transformation in the content of lessons, classroom management and the prevailing atmosphere in elementary schools. This research is of qualitative type, and document analysis method and phenomenological method (semi-structured interview) were used to obtain the findings. In this study, more than 100 elementary school teachers in Isfahan province were selected using purposive sampling and theoretical saturation criteria. In the findings section, by examining the available resources and through interviews with teachers, the challenges and solutions were determined and it was shown that the principles mentioned in the Document of Fundamental Transformation will not be fully achieved in the short term and only by sending the circular letter. Rather, in addition to the necessary training for students, parents and teachers, there is a need for the necessary resources and facilities and their fair allocation throughout the country. Further, through interviews with teachers, challenges and solutions such as increasing the resources and facilities of education, conducting necessary training for teachers and parents, reducing the number of students in classes, using technological tools such as artificial intelligence, changing and modifying books curriculum, full implementation of educational justice, compilation of guidelines for using active teaching methods in elementary schools and other solutions that were mentioned in the text of the research and presented separately in tables. On this basis, it seems that if all the principles outlined in the transformation document are implemented correctly, we can witness a fundamental transformation in the country's education and the growth and elevation of the name of Islamic Iran.

Keywords: Challenges and solutions, psychological foundations, Document of Fundamental Transformation, experience of elementary teachers

¹. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran. kamalnosrati1367@cfu.ac.ir

². Bachelor's degree from Farhangian University and elementary school teacher. nimaalghasi@cfu.ac.ir

³. Master of Education, Nahj al-Balaghah, District 4 Education, Isfahan, Iran. el.khairollahi@gmail.com

⁴. Assistant Professor, Department of Psychology and Counseling, Farhangian University, Tehran, Iran

⁵. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran.